

# شرح مبسوط قانون اساسی

عنوان پژوهش

## شرح اصل نود و چهارم و نود و پنجم قانون اساسی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۰۶۶

تاریخ: ۱۳۹۴/۰۴/۰۹



## شناسنامه

عنوان:

شرح مبسوط قانون اساسی

شرح اصل نود و چهارم و نود و پنجم قانون اساسی

مؤلف: میثم درویش متولی

زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی

معاونت پژوهشی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۰۶۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۰۴/۰۹

پژوهشکده شورای نگهبان



## فهرست مطالب

۲	چکیده.....
۳	مقدمه.....
۶	۱- ارسال مصوبات مجلس به شورای نگهبان.....
۱۷	۲- بررسی مصوبات مجلس در شورای نگهبان.....
۲۹	نمره‌ی بحث.....
۳۱	منابع.....

## چکیده

اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی به تبیین سازوکار نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس از حیث عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی پرداخته است. اصول مزبور بازه‌ی زمانی معینی را به منظور نظارت بر مصوبات مقرر داشته که بر اساس آن شورای نگهبان مکلف است، نسبت به مغایر بودن یا نبودن مصوبه در این مهلت زمانی اظهار نظر نماید. شورای نگهبان در این مهلت و در صورتی که مغایرت مصوبه را با شرع و یا قانون اساسی احراز نماید، آن را برای تجدیدنظر به مجلس عودت می‌دهد و اگر در بازه‌ی زمانی فوق اظهار عقیده ننماید، آن مصوبه بر اساس اصل نود و چهارم قابل اجراست. قانون‌گذار اساسی به منظور تبیین احکام فوق، از عبارات و اصطلاحاتی در اصول ۹۴ و ۹۵ بهره برده است که تأمل و تتبع در آن به منظور شناخت صحیح احکام اصول مزبور، لازم و ضروری می‌باشد. به نظر می‌رسد که مفاد آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، با حکم موجود در اصول فوق که مبین نظارت پیشینی شورای نگهبان بر تمامی مصوبات و امور تقنینی مجلس در مهلت ده روزه می‌باشد، از حیث رعایت بازه‌ی زمانی ده روز هم‌خوانی ندارد. در همین راستا فقهای شورای نگهبان بر اساس اصل چهارم قانون اساسی معتقدند که می‌توان، خارج از مهلت مقرر در اصول ۹۴ و ۹۵ بر قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی نظارت شرعی را اعمال نمایند.

### واژگان کلیدی:

نظارت بر مصوبات مجلس، نظارت بر تصمیمات مجلس، نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان، نظارت از حیث قانون اساسی بر مصوبات مجلس، مصوبه قابل اجراء، استمهال شورای نگهبان

## مقدمه

اصول نود و چهارم<sup>(۱)</sup> و نود و پنجم<sup>(۲)</sup> قانون اساسی از جمله اصولی است که به تبیین صلاحیت‌های شورای نگهبان و سازوکار اعمال آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. حکم مقرر در این اصول ناظر به آن دسته از مصوبات مجلس است که بر اساس اصول ۷۱<sup>(۳)</sup> و ۷۲<sup>(۴)</sup> قانون اساسی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و به منظور اعمال نظارت از حیث مغایر نبودن با موازین شرع و قانون اساسی به مرجع صالح یعنی شورای نگهبان ارسال می‌گردد. شورای نگهبان نیز که بر اساس ترکیب مقرر در اصل ۹۱<sup>(۵)</sup> قانون اساسی تشکیل شده است، به موجب اصل ۹۶<sup>(۶)</sup> قانون اساسی به اعمال صلاحیت مزبور می‌پردازد.

قانون‌گذار اساسی به منظور عدم وقفه و عدم اخلال در امر تقنین، بازه‌ی زمانی ده روز را در این اصل برای نظارت و رسیدگی شورای نگهبان مقرر داشته است. بر اساس قانون اساسی، شورای نگهبان ظرف مهلت مزبور مکلف است، نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت مصوبه مجلس با شرع و قانون اساسی اظهار نظر نماید. اگر مورد یا مواردی از مصوبه مجلس شورای اسلامی را متضاد با شرع و قانون اساسی

۱. اصل ۹۴: «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است».

۲. اصل ۹۵: «در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهایی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود».

۳. اصل ۷۱: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسایل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند».

۴. اصل ۷۲: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است».

۵. اصل ۹۱: «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات، مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: ۱. شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسایل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است. ۲. شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رییس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند».

۶. اصل ۹۶: «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است».

دانست، آن را به منظور تجدیدنظر به مجلس شورای اسلامی اعاده می‌نماید، در غیر این صورت (در حالت تأیید) مصوبه ادامه فرآیند قانونی خود را مانند امضاء مصوبه (اصل ۱۲۳)<sup>(۱)</sup> قانون اساسی و انتشار در روزنامه رسمی طی نمی‌نماید. در همین راستا و در ذیل اصل ۹۴ قانون اساسی پیش‌بینی شده است که هرگاه مصوبه‌ای جهت تشخیص مغایرت داشتن یا عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال گردید و اگر شورای نگهبان ظرف ده روز مقرر اظهار نظر ننمود، بر اساس این اصل آن مصوبه لباس قانون بر تن می‌نماید. اصل ۹۵ قانون اساسی نیز ادامه حکم موجود در اصل ۹۴ بوده و مقرر داشته است که اگر شورای نگهبان نیازمند وقت مجدد ده روزه برای نظارت بر مصوبات مجلس باشد می‌تواند خواستار تمدید مهلت شود.

بر اساس اصل ۹۴ قانون اساسی «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی» به صورت پیشینی ظرف ده روز مورد نظارت شورای نگهبان قرار می‌گیرد. باید توجه داشت که لفظ «مصوبه» مفهومی متمایز از تصمیم و امور غیرتقنینی نظیر رأی اعتماد دارد. لذا همان‌طور که از اصل مزبور قابل برداشت است، تصمیمات مجلس شورای اسلامی مشمول حکم اصل نود و چهارم نمی‌باشد. با نگاهی به مستندات نظیر ماده ۱۹۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و رویه عملی شورای نگهبان در می‌یابیم که روز وصول مصوبه و روز اعلام نظر شورا جزء بازه‌ی زمانی ده روز محاسبه نمی‌گردد و همچنین بر اساس ماده قانونی فوق نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان از حکم اصل نود و چهارم یا بازه‌ی زمانی ده روز مقرر در این اصل مستثنی شده است. توضیح بیشتر آنکه بر اساس مواد ۱۹۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی<sup>(۲)</sup> و ۱۹ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان<sup>(۳)</sup>، شورای نگهبان در نظارت بر مصوبات مجلس

۱. اصل ۱۲۳: «رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد».

۲. ماده ۱۹۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: «کلیه مصوبات مجلس رسماً به شورای نگهبان فرستاده می‌شود. در صورتی که شورا ظرف ده روز پس از وصول یا پس از انقضای ده روز تمدید مذکور در اصل نود و پنجم (۹۵) قانون اساسی، مخالفت خود را اعلام نکند، طبق اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی، مصوبات از طرف مجلس جهت امضاء و ابلاغ به ریاست جمهوری ارسال می‌شود.

تبصره- روز وصول مصوبه و روز اعلام نظر شورای نگهبان به مجلس جزء مهلت‌های مقرر محسوب نمی‌گردد».

۳. ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان: «اعلام مغایرت قوانین و مقررات یا موادی از آنها با شرع با توجه به اصل چهارم قانون اساسی، در هر زمان که مقتضی باشد توسط اکثریت فقهای شورای نگهبان

شورای اسلامی از حیث تشخیص مغایرت و یا عدم مغایرت مصوبات با شرع تابع مهلت ده روزه مقرر در اصول ۹۴ و ۹۵ نمی‌باشد و هرگاه مغایرت مصوبه یا قانونی را با موازین شرع تشخیص دهد، بطلان آن مصوبه یا قانون را اعلام می‌نماید.

قانون‌گذار اساسی به منظور تبیین مقصود و مراد خود در اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی از عبارات و اصطلاحاتی استفاده نموده است که نیازمند واکاوی و بررسی است. اصطلاحاتی نظیر «قابل اجرا بودن مصوبه»، «خواستار تمدید وقت شدن» از جمله این موارد است که تحلیل و بررسی آن در این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. بر اساس مطالب فوق، در این نوشتار باید به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که صلاحیت شورای نگهبان در نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی از حیث تشخیص مغایرت و یا عدم مغایرت با موازین شرع و قانون اساسی بر اساس اصل ۹۴ چگونه تبیین و تحلیل می‌گردد. در راستای پاسخ به این پرسش اصلی، با سؤالات فرعی نظیر مفهوم «کلیه مصوبات» در اصل نود و چهارم، نسبت نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان بر مصوبات مجلس با مهلت زمانی مقرر در اصول ۹۴ و ۹۵، چگونگی نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس، اعاده و بازگرداندن مصوبه مورد ایراد به مجلس و تجدیدنظر در آن، مواجه می‌شویم که کوشش می‌گردد، به این سؤالات به همراه سؤال اصلی پاسخ داده شود. فرضیه اصلی این پژوهش این نیز بر این امر استوار است که شورای نگهبان نسبت به کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی که دارای ماهیت تقنینی هستند، ظرف ده روز از زمان وصول مصوبه نسبت به مغایرت و یا عدم مغایرت مصوبه مجلس با شرع و قانون اساسی اظهار نظر می‌کند.

نوشتار حاضر در دو مبحث سامان یافته است. نخست به تبیین و تحلیل موضوع ارسال مصوبات مجلس به شورای نگهبان می‌پردازیم. در این فصل موضوعاتی نظیر مفهوم «مصوبه مجلس»، «نظارت پیشینی شورای نگهبان بر مصوبات مجلس شورای اسلامی»، «بازه‌ی زمانی ده روزه» و «ابتدا و انقضای این بازه» مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در مبحث دوم به تحلیل موضوع بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی در شورای نگهبان می‌پردازیم. در این قسمت مباحثی نظیر «چگونگی

→

انجام می‌یابد و تابع مدت‌های مذکور در اصل نود و چهارم قانون اساسی نمی‌باشد.»

صلاحیت فقهای شورای نگهبان در نظارت بر مصوبات مجلس از حیث عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی» و «اعلام بطلان قوانین مغایر با شرع خارج از مهلت مقرر در اصول ۹۴ و ۹۵» مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

## ۱- ارسال مصوبات مجلس به شورای نگهبان

بر اساس اصل نود و چهارم قانون اساسی کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی به منظور بررسی و کنترل از حیث مغایر نبودن با شرع و قانون اساسی، باید به شورای نگهبان ارسال گردد. اطلاق لفظ «کلیه مصوبات» در صدر این اصل مؤید تأکید قانون‌گذار اساسی به نظارت شورای نگهبان بر اعمال مجلس شورای اسلامی است. در نگاه اولیه به نظر می‌رسد، تمامی اعمال مجلس شورای اسلامی اعم از اعمال تقنینی مانند طرح و لوایح مصوب، و یا اعمال غیر تقنینی مانند رأی‌گیری در خصوص هیأت وزیران و انتخابات هیأت رئیسه مجلس، استیضاح وزیران و ...، باید بر اساس اصل نود و چهارم قانون اساسی از حیث عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی مورد نظارت و ارزیابی شورای نگهبان قرار گیرد. لذا مجلس شورای اسلامی مکلف است هر رأی و یا تصویب خود را به شورای نگهبان ارسال کند و در صورت تأیید این شورا است که آن گزاره‌ی مصوب مجلس، استقرار می‌یابد. اما با تأمل در مذاکرات اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و تتبع در مفهوم عبارات «مصوبه مجلس شورای اسلامی» و «تصمیم مجلس شورای اسلامی» در خواهیم یافت که باید میان این دو تفاوت گذارد و شورای نگهبان بر اساس اصل نود و چهارم قانون اساسی تنها به مصوبات مجلس شورای اسلامی که ماهیت تقنین دارند، نظارت می‌نماید و از حیث نظارت بر تصمیمات فاقد صلاحیت می‌باشد. به عبارت دیگر مقصود از مصوبات مجلس در اصل نود و چهارم آن دسته از مصوباتی است که دارای ماهیتی تقنینی هستند و مجلس به وسیله آنها قاعده‌گذاری می‌نماید. با نگاهی به صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در ذیل اصل نود و چهارم قانون اساسی در می‌یابیم که در هنگام تصویب این اصل به دفعات از اصطلاح «قانون» و «قانون‌گذاری» استفاده شده است (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۹۴۸-۹۴۹) و مقصود قانون‌گذار اساسی در این اصل امور غیر تقنینی و تصمیمات مجلس نبوده است.

از همین رو اعمال مجلس شورای اسلامی را می‌توان بر دو دسته تقسیم نمود:



نخست مواردی که دارای ماهیت تقنینی بوده و دارای وجه قاعده‌گذاری است و این مصوبه تحت عنوان لایحه یا طرح در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته و در صورت تصویب در مجلس، به شورای نگهبان ارسال می‌گردد و شورای نگهبان بر مبنای اصل نود و چهارم قانون اساسی مصوبه مزبور را از حیث عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی مورد رسیدگی و نظارت قرار می‌دهد. اما شق دوم اعمال مجلس شورای اسلامی «تصمیمات» می‌باشد که بر خلاف دسته نخست ماهیتی غیرتقنینی داشته و مشمول اصل نود و چهارم قانون اساسی نمی‌شوند. با نگاهی به صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در می‌یابیم که این دسته از اعمال مجلس شورای اسلامی عنوان مصوبه را از منظر قانون‌گذار اساسی دارا نبوده و لذا مشمول اصل نود و چهارم قانون اساسی نمی‌باشند.<sup>(۱)</sup>

توضیح بیشتر آنکه، در خصوص معنای واژه «تصمیم» می‌توان آن را در پژوهش حاضر، ناظر به آن دسته از اعمال مجلس دانست که دارای ماهیت اجرایی و غیرتقنینی بوده و غالباً بر اساس صلاحیت نظارتی مجلس به تصویب می‌رسند. ظهور و اثر تصمیمات مجلس شورای اسلامی اکثراً در خود نهاد مجلس است و این دسته از اعمال مجلس منتج به قاعده‌گذاری نمی‌گردد. به عنوان مثال می‌توان به انتخاب هیأت رئیسه مجلس، رای اعتماد به وزراء و... اشاره نمود. هر چند که معیار داشتن ماهیت غیرتقنینی برای تصمیمات مجلس در هیچ قانونی تصریح نشده است و فاقد مستند قانونی است، اما با امعان نظر در قانون اساسی و آیین نامه داخلی مجلس در می‌یابیم که بر اساس معیار فوق (ماهیت غیرتقنینی و قاعده‌گذار نبودن) در قانون اساسی و یا قوانین عادی تصمیمات مجلس شورای اسلامی مشخص شده است. از جمله این موارد می‌توان به رأی اعتماد به وزراء، رأی عدم اعتماد و عدم کفایت به وزرا و رئیس جمهور (مواد ۲۰۸ تا ۲۱۴ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)، انتخاب نمایندگان ناظر در مراجع مختلف (مواد ۲۱۸ و ۲۱۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی) و ... اشاره نمود. همچنین باید در خصوص مفهوم کلمه «مصوبه» اشاره نماییم که در تعریف اصطلاح حقوقی «مصوبه» آورده شده که قانون به معنای عام هرگاه از مرحله تصور به مرحله

۱. جهت مشاهده توضیحات بیشتر در این خصوص ر.ک. درویش متولی، ۱۳۹۳ «الف»: ۸

تصدیق مقام صلاحیتدار برسد، این وضع را تصویب قانون گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۵۷ و ۱۵۷-۱۵۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۳۸۹) از جمع تعاریف فوق می‌توان گفت که مصوبات مجلس شورای اسلامی شامل امور تقنینی می‌باشد و مصوبه به معنای مزبور در مجلس شورای اسلامی، در امر غیر تقنینی به کار گرفته نمی‌شود.

بر اساس معیار مزبور و با نگاهی به اصول قانون اساسی، مذاکرات صورت گرفته در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و مراد قانون گذار حین وضع و تصویب اصول، آیین‌نامه‌های داخلی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و سایر مستندات قانونی موجود، می‌توان بیان نمود که اساساً تصمیمات مجلس شورای اسلامی که ناظر به امور غیر تقنینی است، عبارتند از: ۱. رأی اعتماد- استیضاح- تذکر و سؤال از وزیر و هیأت وزیران (موضوع اصول ۸۷- ۸۸- ۸۹- ۱۳۳- ۱۳۵ قانون اساسی و مواد ۲۰۸ تا ۲۱۴ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)؛ ۲. انتخاب هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی (موضوع اصل ۶۶ قانون اساسی و مواد ۱۰ تا ۱۸ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)؛ ۳. انتخاب نمایندگان ناظر در مجامع، هیأتها و شوراها (موضوع مواد ۲۱۸ و ۲۱۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)؛ ۴. تحقیق و تفحص (موضوع اصل ۷۶ قانون اساسی و مواد ۲۱۴ تا ۲۱۷ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)؛ ۵. رأی به عدم کفایت رئیس جمهور (موضوع بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و ماده ۲۱۳ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)؛ ۶. انتخاب رئیس و دادستان دیوان محاسبات کشور (مواد ۱۱ و ۱۴ قانون دیوان محاسبات کشور)؛ ۷. انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان (موضوع اصل ۹۱ قانون اساسی)؛ ۸. تغییر دستور هفتگی مجلس (ماده ۱۰۴ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)؛ ۹. انتخاب ده‌نفر از نمایندگان در اجرای اصل یکصد و هفتاد و هفتم (۱۷۷) قانون اساسی؛ ۱۰. رأی به وارد بودن سؤال نمایندگان از وزیر (ماده ۲۰۹ از آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)؛ ۱۱. تصویب اعتبارنامه نمایندگان (مواد ۳۰ تا ۳۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)؛ ۱۲. تصویب افزایش تعداد مخالف و موافق یا وقت مذاکرات طرحها و لوایح مهم موضوع تبصره (۱) جزء «۲» بند «الف» ماده ۱۱۲ آیین‌نامه داخلی مجلس؛ ۱۳. انتخاب نمایندگان جهت عضویت در کمیسیون تلفیق، مشترک و هیأت تحقیق و تفحص و انتخاب اعضای کمیسیون تخصصی و کمیسیون ویژه در مجلس (ماده ۲۱۴ از آیین‌نامه

داخلی مجلس شورای اسلامی؛ ۱۴. فروش بناها و اموال دولتی موضوع اصل ۸۳ قانون اساسی و ماده ۱۸۳ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی ۱۵. استخدام کارشناسان خارجی موضوع اصل ۸۲ قانون اساسی و ماده ۱۸۳ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی ۱۶. گرفتن و دادن وام و کمک های بلاعوض موضوع اصل ۸۰ قانون اساسی و ماده ۱۸۳ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، ۱۷. تعویق انتخابات موضوع اصل ۶۸ قانون اساسی و ماده ۱۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷. البته باید توجه داشت که علی‌رغم اینکه تصویب «تعویق انتخابات» یک امر غیرتقنینی است و شورای نگهبان بر اساس اصل ۹۴ صلاحیت نظارت بر این تصمیمات را نخواهد داشت، لکن شورای نگهبان بنا به تصریح اصل ۶۸ و از باب نظارت بر انتخابات مجلس، بر این مصوبات نظارت خواهد نمود.

موارد فوق از امور غیر تقنینی و تصمیمات مجلس شورای اسلامی است که متضمن قاعده گذاری نبوده است و اساساً شورای نگهبان در نظارت بر آنها فاقد صلاحیت نمی‌باشد و این موارد مشمول نظارت اصل ۹۴ نمی‌باشد.

حال سؤال اینجاست که اگر در اخذ تصمیمات مجلس شورای اسلامی مراحل قانونی به درستی صورت نگیرد یا برای تحقق آن، از شرایط لازم آن تخطی گردد، چه مرجع و مقامی حق عدم تأیید یا ابطال تصمیم مجلس شورای اسلامی را داراست. در این خصوص باید بیان نماییم که موضوعات فوق فاقد ناظری مشخص می‌باشند. به عبارت دیگر موارد فوق برخلاف مصوبات مجلس شورای اسلامی که شورای نگهبان ناظر بر آن است، هیچ مرجع نظارتی مشخص و مستقلی ندارند، لکن با تسامح می‌توان یک نظارت درونی برای مجلس شورای اسلامی از جانب نمایندگان این مجلس در امور غیرتقنینی (تصمیمات) قائل بود. توضیح بیشتر آنکه نمایندگان مجلس شورای اسلامی واجد صلاحیت اعلام، تذکر و اعتراض نسبت به موارد نقض تصمیمات و مراحل قانونی شکل‌گیری تصمیمات هستند و بر اساس سوگندی که به موجب اصل ۶۷ قانون اساسی یاد نموده‌اند و نیز قضاوت افکار عمومی بر اعمال نمایندگان، آنان حق و تکلیف دارند تا موارد نقض را بیان و نسبت به آن اعتراض نمایند. از همین رو مواد ۲۶، ۱۱۳، ۱۹۶ و ۱۹۷ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی بیان داشته که نمایندگان می‌توانند در قالب اعتراض به هیأت رئیسه، دادن تذکر آیین‌نامه‌ای و اخطار قانون اساسی اعتراض خود را نسبت به موارد نقض

و تخطی در خصوص فرآیند شکل‌گیری تصمیمات مجلس در مجلس اعلام نمایند. هر چند بدیهی است، این ضمانت اجرا در مقایسه با نظارت شورای نگهبان بر مصوبات و امور تقنینی مجلس شورای اسلامی از حیث عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی، از اقتدار و تضمین کمتری برخوردار است، لکن تبیین و تأکید بر همین امر نیز خود می‌تواند، وجدان آگاه نمایندگان مجلس شورای اسلامی را در خصوص نظارت بر تصمیمات مجلس شورای اسلامی به صورت هرچه بیشتر به خود جلب نماید.

اما در خصوص مصوبات مجلس وضع متفاوت است و بر اساس اصل ۹۴ قانون اساسی، مواد ۱۷ و ۳۲ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان و مواد ۱۹۹ تا ۲۰۱ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان «مصوبات» مجلس را ظرف ده روز از حیث عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌دهد. اگر شورای نگهبان مهلت ده روز را کافی ندانست، می‌تواند به موجب اصل نود و پنجم قانون اساسی ده روز دیگر برای بررسی خود از مجلس استمهال نماید. با نگاهی به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در می‌یابیم که نظارت این شورا ناظر بر طرح‌ها و لوایح مصوب مجلس شورای اسلامی است و در خصوص تصمیمات مجلس شورای اسلامی مانند رأی اعتماد به وزیران، انتخابات درون مجلس شورای اسلامی و... طرق نظارتی برای شورای نگهبان تبیین نگردیده است.

مصوبات مجلس شورای اسلامی نیز آن دسته از اعمال این مجلس می‌باشد که دارای ماهیت تقنینی است که در آن مجلس مجموعه قواعدی را وضع می‌نماید. از جمله مواردی که بر اساس معیار فوق باید آن را «مصوبه» دانست، تصویب و الحاق به یک معاهده بین‌المللی (موضوع اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی)، برقراری محدودیت‌های ضروری (موضوع اصل ۷۹ قانون اساسی و مواد ۱۸۱-۱۸۲ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)، تصویب بودجه سالیانه (موضوع اصل ۵۲ قانون اساسی و مواد ۱۸۶-۱۸۸ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی) و تغییر خطوط مرزی کشور (موضوع اصل ۷۸ قانون اساسی و ماده ۱۷۸-۱۸۰ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی) می‌باشد که مجلس شورای اسلامی از طریق تأیید و تصویب آنها اقدام به قاعده‌گذاری و وضع یک مصوبه با ماهیت تقنینی می‌نماید. قابل ذکر است که به آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی این نقد جدی وارد است که مرز و تفکیکی

مشخص و صریح فی مابین مصوبات و تصمیمات مجلس قائل نشده است و تمامی این مصادیق بر اساس معیار پیش گفته احراز شده است. لذا لازم است که در آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به عنوان مرجع و رهنمای تصویبات مجلس، تفکیک بین مصوبات و تصمیمات مجلس در نظر گرفته شود.

لذا در مجموع می توان بیان داشت که عبارت «کلیه مصوبات مجلس» در این اصل اعم از مصوبات دائمی، مصوبات آزمایشی کمیسیون های تخصصی مجلس، مصوبات مربوط به بودجه، عهدنامه ها و موافقت نامه های بین المللی و... می باشد و بر خلاف تصمیمات مجلس، جهت انطباق با قانون اساسی و موازین شرع به شورای نگهبان ارسال می گردد. (هدایت نیا، ۱۳۸۷: ۶۳)

نکته حائز اهمیت در نظارت شورای نگهبان بر مصوبات و اعمال تقنینی مجلس شورای اسلامی این است که نظارت شورا یک نظارت پیشینی می باشد. به عبارت دیگر قبل از اینکه مصوبه مجلس در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران استقرار یابد باید به تأیید شورای نگهبان برسد.

علاوه بر نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بحث نظارت پسینی و یا پیشینی در تطبیق مصوبات پارلمان با هنجارهای برتر یک جامعه در همه ی نظام های حقوقی مطرح می باشد. در قوانین اساسی کشورهای جهان هر کدام بسته به نظام حقوقی خود در این زمینه نظارت پیشینی یا پسینی را انتخاب نمودند. در غالب کشورهای جهان بر خلاف جمهوری اسلامی ایران مرجع صالح (شورای قانون اساسی یا دادگاه قانون اساسی و...) برای بررسی انطباق مصوبات با قانون اساسی و سایر هنجارهای برتر آن جامعه، رأساً و به صورت پیشینی وارد رسیدگی و نظارت نمی شود، بلکه با درخواست برخی از مقامات و در واقع با طرح شکایت مبنی بر مغایرت قانون عادی با قانون اساسی و با یک نظارت پسینی، مرجع مربوطه وارد رسیدگی می شود، مانند ماده ۶۱ قانون اساسی فرانسه (در مورد تمامی قوانین بجز قوانین ارگانیک و آئین نامه داخلی مجلس)، ماده ۹۳ قانون اساسی آلمان، ماده ۱۴۵ قانون اساسی سوریه، ماده ۸۱ قانون اساسی مراکش، ماده ۱۶۹ قانون اساسی الجزایر، ماده ۱۳۶ قانون اساسی ایتالیا که یک مرجع یا نهاد درخواست نظارت و رسیدگی بر مصوبات را به مرجع صالح اعلام می دارد و آن مرجع به صورت پسینی مصوبه مجلس را از حیث رعایت نمودن هنجارهای برتر جامعه مربوطه، مورد نظارت قرار می دهد. ولی طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی بدون

نیاز به درخواست فرد یا مقامی و با یک نظارت پیشینی، باید جهت بررسی به شورای نگهبان ارسال شود. (مهرپور، ۱۳۹۱، صص ۲۲۵ و ۲۲۶)

به عنوان مثال در کشور فرانسه غالب مصوبات پارلمان از یک نظارت پسینی برخوردار می‌باشد. در این نظارت در صورت اعتراض رئیس جمهور یا نخست وزیر یا رؤسای هریک از مجالس یا ۶۰ تن از نمایندگان هریک از مجالس نسبت به مصوبه مجلسین، شورای قانون اساسی فرانسه آن را مورد بررسی و نظارت قرار می‌دهد. البته قوانین ارگانیک و نظامنامه داخلی مجالس به صورت پیشینی مورد نظارت شورای قانون اساسی قرار می‌گیرد.<sup>(۱)</sup> بر اساس اصل ۶۱ قانون اساسی فرانسه شورای قانون اساسی باید ظرف یکماه تصمیم خود را اعلام نماید. معذالک در موارد ضرورت بنا به درخواست دولت، این مدت به ۸ روز تقلیل می‌یابد.<sup>(۲)</sup> از جمله کشورهایی که همانند فرانسه از هر دو نظارت پیشینی و پسینی بهره برده‌اند، می‌توان به شورای قانون اساسی کشور الجزایر اشاره نمود که به موجب اصول ۱۶۵ و ۱۶۷ قانون اساسی این کشور بر مصوبات پارلمان نظارت پسینی یا پیشینی حسب مورد می‌نماید.<sup>(۳)</sup>

کشور گینه از معدود کشورهایی است که همانند کشور ما، نظارت پیشینی را بر مصوبات پارلمان خود از حیث عدم مغایرت با قانون اساسی پیش‌بینی نموده است. به موجب اصول ۹۳ تا ۹۶ قانون اساسی کشور گینه، دیوان قانون اساسی این کشور به عنوان یک مرجع قضایی وظیفه بررسی عدم مغایرت مصوبات پارلمان با قانون اساسی را پیش از توشیح آنها از جانب رئیس جمهور ظرف یک‌ماه داراست. البته علاوه بر

۱. برخی از کشورها در خصوص نظارت بر بعضی از قوانین مهم خود از جمله قوانین مربوط به حقوق بنیادین و آیین‌نامه داخلی مجلس، همانند کشور فرانسه قائل به نظارت پیشینی بر آنان شده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به اصل ۹۴ قانون اساسی کشور نیجر و یا اصل ۸۱ قانون اساسی کشور مراکش اشاره نمود.

۲. اصل ۶۱ قانون اساسی فرانسه مقرر می‌دارد: «قوانین ارگانیک و همچنین آیین‌نامه‌های داخلی مجلسین پیش از اجراء باید به شورای قانون اساسی ارسال شود، تا سازگاری آنها با قانون اساسی اعلام گردد. در مورد قوانین عادی نیز رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس مجلس شورای ملی، رئیس مجلس سنا و یا ۶۰ تن از نمایندگان مجلس و یا ۶۰ تن از سناتورها پیش از امضای قوانین می‌توانند، درخواست ارجاع آنها را به شورای قانون اساسی بنمایند. در موارد پیش‌بینی شده در دو بند فوق، شورای قانون اساسی باید ظرف یک ماه تشکیل جلسه داده و به موضوع رسیدگی نماید. با وجود این، در صورت فوریت، مدت مزبور بر اساس درخواست دولت به ۸ روز تقلیل می‌یابد.» (قانون اساسی فرانسه، ۱۳۹۰: ۴۶)

۳. کشورهای متعددی همانند کشور فرانسه و الجزایر هر دو نظارت پسینی و پیشینی را در خصوص مصوبات مجلس پذیرفته‌اند که از جمله آنها می‌توان به بلاروس، قزاقستان، آلمان، کنگو، کامرون و چاد اشاره نمود.

نظارت پیشینی مزبور، این دیوان صلاحیت نظارت پسینی و بررسی مغایرت قوانین مصوب مجلس با قانون اساسی را در دعاوی مطروحه در مراجع قضایی نیز داراست. یکی از نکات اساسی و کلیدی که در راستای نظارت پیشینی در اصول ۹۴ و ۹۵ در خصوص نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس وجود دارد، بازه‌ی زمانی مقرر در این اصول می‌باشد. همان‌طور که پیشتر اشاره نمودیم، به موجب اصل ۹۴ شورای نگهبان موظف است که ظرف ده روز نسبت به مصوبه مجلس شورای اسلامی اظهار نظر نماید. الزام شورای نگهبان در این مورد ناشی از اهمیتی است که قانون‌گذار اساسی برای مصوبات مجلس شورای اسلامی به عنوان تصمیمات نمایندگان مردم در حل مشکلات کشور قائل است. البته قانون اساسی با پیش‌بینی تمدید مهلت مزبور در مواردی که احیاناً شورای نگهبان با تراکم کار و ضیق وقت روبه روست، اصل ۹۵ را پیش‌بینی نموده است. (جعفری ندوشن، ۱۳۸۵: ۶۰)

در راستای ضمانت اجرای عدم اعلام نظر شورای نگهبان در بازه‌ی زمانی مقرر شده، در ذیل اصل ۹۴ پیش‌بینی شده است که اگر شورای نگهبان در ظرف ده روز، مغایرت مصوبه مجلس را با موازین شرع و قانون اساسی اعلام ننمود، آنگاه آن مصوبه در قالب قانون قابل اجراء می‌گردد.<sup>(۱)</sup> با مراجعه به صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در می‌یابیم که قانون‌گذار اساسی به علت اینکه در امر قانون‌گذاری وقفه‌ای ایجاد نشود و امور کشور معطل نماند، چنین بازه‌ی را برای اظهار نظر شورای نگهبان مقرر نموده است. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۹۵۶-۹۵۷).<sup>(۲)</sup>

۱. از جمله مصادیقی که شورای نگهبان در مهلت مقرر در اصل ۹۴ نسبت به آنها اظهار نظر ننموده و آن مصوبه پس از ده روز و بدون اظهار نظر شورای نگهبان، لباس قانون به تن نموده است، می‌توان به قانون «الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی اینمارسات» مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۹، قانون «اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان» مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۷، قانون «تمدید مهلت تأدیه بدهی کشاورزان بابت قوانین مربوط به اصلاحات ارضی» مصوب ۱۳۷۱/۵/۲۵ و قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ اشاره نمود.

۲. شهید بهشتی (ره) در دفاع از مهلت زمانی پیش‌بینی شده در این اصل می‌فرماید: «اینجا یک نقطه نظری رعایت شده و آن این است که این عده موظف باشند در ظرف ده روز نظر خود را اعلام کنند. اگر در طی ده روز نظر خود را اعلام نکردند، ما تعطیل نکنیم مسائل قانونی را و مسؤولیت بر عهده این عده خواهد بود، این است که عبارت این‌طور نوشته شد «در غیر این صورت» یعنی اگر اینها مغایر ببینند باید بفرستند، اگر

با تتبع و تأمل در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در می‌یابیم که اعضاء به این ضرورت و نیاز علم و آگاهی کامل داشتند که اگر ظرف ده روز شورای نگهبان نتوانست، به دلیل حجم بالای مصوبه مجلس مغایرت با شرع را تشخیص دهد و یا پس از آنکه آن مصوبه در مرحله اجرا قرار گرفت و مغایرت آن با شرع مشخص شد، باید بتوان از اعمال و اجرای آن خودداری نمود. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۹۵۶-۹۶۲) علی‌رغم اینکه دغدغه‌های مزبور در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مطرح گردید و مقرر شد تا در اصول دیگر این دغدغه‌ها بر طرف گردد و اصلی پیش‌بینی شود، تا اگر مغایرت قانونی با موازین شرع پس از تأیید شورای نگهبان و در مرحله عمل محرز گردید، از عمل به آن خودداری شود و آن قانون باطل اعلام گردد، لکن هیچ اصلی را برای تأمین این امر مطرح نگردید. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۹۵۶-۹۶۲)<sup>(۱)</sup>

به موجب ذیل اصل نود و چهارم قانون اساسی اگر شورای نگهبان در مهلت مقرر نسبت به مصوبه مجلس شورای اسلامی از حیث عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی اظهار نظر ننماید، آن مصوبه قابل اجرا می‌باشد. همان‌طور که پیشتر اشاره نمودیم، علت و هدف اصلی قانون‌گذار از حکم مذکور، عدم وقفه در کار قانون‌گذاری و معطل نماندن امور جاری کشور از جانب نهاد پاسدار شریعت و حافظ قانون اساسی یعنی شورای نگهبان بوده است. به عبارت دیگر الزام شورای نگهبان به اظهار نظر در مهلت مقرر، از یک طرف موجب جلوگیری از تعطیلی امور کشور بوده و از سوی دیگر

→

نفرستادند به این معنی است که مغایر ندیده‌اند». (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۹۵۶) همچنین در توضیح مجددی در این خصوص می‌فرمایند: «ما می‌خواهیم شورای نگهبان اگر در طی ده روز مسامحه‌ای کرد و قانونی را بر نگردانید مسائل معطل نماند. بنابراین خواستیم یک اجبار و الزام عملی داشته باشد، شورای نگهبان بداند پس از ده روز هرگونه خلافی باشد به عهده اوست و مقید باشد در طی ده روز نظر مخالفش را بدهد و اگر نظر مخالفش را نداد خود به خود معلوم می‌شود که قانون قابل اجرا است.» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۹۵۷)

۱. هر چند که پس از تصویب اصل ۹۴ در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، در جلسات آتی این مجلس اصل ۹۵ به قانون اساسی اضافه گردید و به تصویب این مجلس رسید (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۹۸۶)، اما تصویب این اصل نیز دغدغه مزبور را مبنی بر ابطال قوانینی که پس از ده روز مغایر با شرع و قانون اساسی تشخیص داده می‌شود، تأمین نکرد.



مسئولیت اخلاقی را که متوجه شورای نگهبان به عنوان پاسدار شرع و قانون اساسی است، میرا می‌سازد. (وکیل، امیر ساعد و عسکری، پویا، ۱۳۸۷: ۳۸۰)

در راستای ضمانت اجرای اظهار نظر شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس در بازه زمانی مزبور، در ذیل اصل ۹۴ قانون اساسی، مقرر گردیده است که اگر شورای نگهبان نسبت به مصوبات مجلس اظهار نظر ننماید، این مصوبات «قابل اجراء» می‌باشد. عبارت مذکور از جهات مختلفی قابل توجه می‌باشد که در ادامه به تبیین و بررسی آن می‌پردازیم.

عبارت «قابل اجراء» را بر اساس معنای کلمه «قابل» که به «سزاوار» و «لایق» معنا شده است (معین، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۶۰۳)، می‌توان امری دانست که شایستگی و توانایی انجام را داشته باشد، تعریف نمود.

در خصوص علت و فلسفه استفاده از عبارت «قابل اجراء» در اصل نود و چهارم قانون اساسی و استفاده نمودن از اصطلاح حقوقی «لازم‌الاجراء» در این اصل، ابتدا باید به این نکته اشاره نمود که فرآیند امرتفینی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به صورت کلی در اصولی مانند اصل ۵۸<sup>(۱)</sup>، ۷۲، ۷۴، ۹۶ و ۱۲۳ قانون اساسی آمده است. پس از آنکه مصوبه مجلس با شرایط مقرر در اصول قانون اساسی (مانند اصل ۷۲) به تصویب رسید و مورد تأیید شورای نگهبان نیز قرار گرفت (اصل ۹۴ و ۹۶)، جهت امضاء برای رئیس جمهور ارسال می‌گردد. رئیس جمهور نیز بر اساس اصل ۱۲۳ موظف است مصوبات مجلس را پس از طی مراحل قانونی امضاء نماید. پس از امضای رئیس جمهور و در نهایت امر، بر اساس ماده ۲ قانون مدنی آن مصوبه‌ی توشیح شده پس از ۱۵ روز از انتشار، «لازم‌الاجراء» می‌گردد. لذا برای آن‌که مصوبه‌ای در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران «لازم‌الاجراء» گردد، باید فرآیند مزبور را به طور کامل سپری نماید، در غیر این صورت از وصف «لازم‌الاجراء» برخوردار نیست. قانون‌گذار اساسی نیز بر اساس همین نکته از اصطلاح «قابل اجراء» در این اصل بهره برده است، تا مصوبه‌ای که شورای نگهبان نسبت به آن ظرف ده روز اظهار نظر ننموده است، جهت جری سایر مراحل قانونیت یافتن یک مصوبه، نظیر امضاء رئیس جمهور و... ارسال گردد.

۱. اصل ۵۸ قانون اساسی: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید، برای اجرا به قوه مجریه و قضاییه ابلاغ می‌گردد.»

آخرین نکته در خصوص بحث حاضر، بررسی ابتدا و انتهای بازه‌ی زمانی ده روز برای شورای نگهبان در اظهار نظر نسبت به مصوبات مجلس شورای اسلامی می‌باشد. اصل نود و چهارم قانون اساسی آغاز مهلت ده روز را از تاریخ «وصول مصوبه» مجلس به شورای نگهبان بیان می‌نماید. لکن آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و رویه شورای نگهبان مؤید آن است که روز وصول مصوبه و اعلام نظر شورای نگهبان جزء ده روز این می‌شود. بر اساس تبصره ماده ۱۹۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی روز وصول مصوبه و روز اعلام نظر شورای نگهبان به مجلس، جزء مهلت‌های مقرر محسوب نمی‌گردد. تا پیش از تصویب این مستند قانونی، شورای نگهبان در این ارتباط به قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۱۸ به عنوان یک مؤید توسل می‌نمود. توضیح بیشتر آنکه به موجب مفاد ماده ۶۱۴ این قانون<sup>(۱)</sup> در مورد مواعد مربوط به دادگاه، روز ابلاغ و اعلام و نیز روز اقدام جزء مدت محسوب نمی‌شد. شورای نگهبان معتقد بود که ترتیب مقرر در ماده ۶۱۴ قانون مزبور به صورت یک عرف حقوقی در نظام حقوقی ما پذیرفته شده و معیار فوق منحصر به مواعد مربوط به ابلاغ و اعلام حکم دادگاه نیست و می‌توان آن‌را به سایر موارد از جمله اصل نود و چهارم قانون اساسی تسری داد.<sup>(۲)</sup> (مهرپور، ۱۳۷۲: ۵۸)

۱. ماده ۶۱۴: «مواعدی که ابتداء آن تاریخ ابلاغ یا اعلام است، روز ابلاغ و اعلام و همچنین روز اقدام جزء مدت محسوب نمی‌شود.»

۲. مؤید ادعای مزبور مصادیقی است که از بدو تأسیس شورای نگهبان تاکنون رخ داده است و شورای نگهبان عقیده به آن دارد که نباید روز وصول و اعلام نظر را جزء این ده روز محاسبه نمود. از جمله این موارد می‌توان به متمم لایحه بودجه در سال ۱۳۶۹ اشاره نمود. در مورد اختلاف نظری که بر سر انقضای مهلت در لایحه متمم بودجه سال ۶۹ بوجود آمد و مجلس از دریافت نامه شورای نگهبان به عنوان انقضای مهلت خودداری کرد، شورای نگهبان طی نامه مورخ ۱۳۶۹/۹/۲۴ که به مجلس نوشت و در آن به عدم دریافت نامه شورا به بهانه انقضای مهلت اعتراض کرد، اظهار داشت: «... به نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان مهلت ده روز مقرر در اصل ۹۴، ده روز کامل برای بررسی و اظهار نظر است و روز وصول و اعلام نظر و به تعبیر قانون آیین دادرسی مدنی، روز ابلاغ و اقدام جزء موعده حساب نمی‌آید. این مسئله‌ای است که در عرف حقوقی و قضائی و رویه مراجع قضایی و قانون‌گذاری معمول است و اختصاص به زمان حال و گذشته نیز ندارد، ماده ۶۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی هم بر مبنای همین برداشت عرفی انشاء شده است، هرچند قانون عادی و تصویب آن مربوط به سال‌های قبل است...». هر چند که رئیس مجلس شورای اسلامی این نظر را نپذیرفته و طی نامه مورخ ۱۳۶۹/۹/۲۷ اظهار داشت: «... چگونه جایز است قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را با قانون آیین دادرسی مدنی سابق تفسیر کنیم... آیین دادرسی مدنی و

به نظر می‌رسد که استدلال مزبور شورای نگهبان و همچنین آیین‌نامه داخلی مجلس که «روز وصول مصوبه» را در بازه‌ی زمانی ده روزه اصل ۹۴ منظور نمی‌نماید، با قانون اساسی مطابق نباشد. توضیح بیشتر آنکه اصل ۹۴ قانون اساسی به صراحت آغاز بازه‌ی زمانی ده روزه برای شورای نگهبان را در اظهار نظر نسبت به مصوبات مجلس، از روز وصول مصوبه مقرر داشته است، در حالی که ماده ۱۹۹ آیین‌نامه داخلی مجلس و رویه شورای نگهبان مطابق با این اصل نبوده و روز وصول مصوبه جزء ده روز منظور نمی‌گردد، لذا این نقد به آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و رویه شورای نگهبان وارد است که آنچه در اصل ۹۴ در خصوص بازه‌ی زمانی ده روز پیش‌بینی شده است، به درستی تبیین و اجرا نگردیده است.

## ۲- بررسی مصوبات مجلس در شورای نگهبان

همان‌طور که در فصل نخست تبیین و تحلیل نمودیم، پس از ارسال مصوبه مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان، این شورا موظف است، بر اساس اصل نود و چهارم قانون اساسی ظرف ده روز مصوبه مزبور را از حیث عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی مورد نظارت و بررسی قرار دهند. بر مبنای اصل نود و ششم قانون اساسی نظارت شرعی و بررسی عدم مغایرت مصوبات مجلس با موازین اسلام، در صلاحیت شش فقیه شورای نگهبان گذاشته است و در خصوص نظارت بر مصوبات از حیث عدم مغایرت با قانون اساسی نیز بر اساس اصل مزبور هر دوازده عضو صالح و موظفند که بر مصوبات مجلس نظارت نمایند. اما نکته قابل توجه در اصل نود و چهارم و برخی از اصول مرتبط با این اصل مانند اصل هفتاد و دوم، نود و یکم، نود و ششم، چهارم آن است که قانون‌گذار اساسی در هر یک از اصول مزبور یکی از دو اصطلاح به ظاهر متفاوت «انطباق» و «عدم مغایرت» را در رعایت نمودن موازین اسلامی در مصوبات مجلس استفاده نموده است و جالب آنجاست که در اصل ۹۴ از

→

رویه مراجع قضائی همچنانکه از اسم آنها برمی‌آید برای دادرسی در دعاوی و اصحاب دعوی و امر قضاست نه امر قانون‌گذاری...» (مهرپور، ۱۳۷۲: ۵۸). لکن در نهایت امر نظر شورا در خصوص در نظر داشتن ده روز کامل بدون احتساب روز وصول و روز اعلام به عنوان رویه شورا پذیرفته شده و در آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نیز تصریح گردیده است و به آن عمل می‌شود.

هر دو اصطلاح «انطباق» و «عدم مغایرت» بهره برده است.

با بررسی و تتبع در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در می‌یابیم، قانون‌گذار اساسی از یک سو در اصل چهارم قانون اساسی و با نگاهی حداکثری به اسلامی نمودن کلیه قوانین و مقررات نظر به ابتدای آنان به موازین اسلام داشته است و از سوی دیگر در اصول ۷۲، ۹۱ و ۹۶ با مقرر داشتن حکم عدم مغایرت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی، صرف عدم تضاد مصوبات مجلس با موازین شرع را کافی دانسته و برای فقهای شورای نگهبان صلاحیت تشخیص عدم مغایرات مصوبات مجلس را با شرع لحاظ نموده است.

بر همین اساس این ابهام به ذهن متبادر می‌گردد که قانون‌گذار اساسی هم انطباق مصوبات مجلس را با موازین شرع و قانون اساسی و هم عدم مغایرت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی را در نظر داشته است که برآیند این دو امر همان مورد نخست یعنی مطابقت داشتن کلیه مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی را در اصول قانون اساسی مقرر داشته است. در نتیجه فقهای شورای نگهبان باید مصوبات مجلس شورای اسلامی را از حیث مطابق بودن با موازین اسلامی مورد نظارت و بررسی قرار دهند و صرف عدم مغایرت کافی نمی‌باشد.

اما این فرض قابل نقد و رد است. با نگاهی به اصل چهارم قانون اساسی در می‌یابیم که این اصل در یک نگاه حداکثری به ابتدای کلیه قوانین و مقررات به موازین اسلام تصریح نموده است و قانون‌گذار در این اصل درصدد تبیین جایگاه موازین شرع به عنوان یک هنجاربرتر در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است. لکن اصل ۷۲ و اصول ۹۱ تا ۹۶ صرف عدم مغایرت مصوبات مجلس با موازین شرع و قانون اساسی را کافی دانسته است. همچنین بررسی مصوبات مجلس از حیث مطابقت داشتن با شرع و قانون اساسی نیز از حیث اجرایی، امکان‌پذیر نیست، چرا که غالب مسائل مورد تقنین، مبتنی و برگرفته از حکم شرعی نمی‌باشد و اعمال این صلاحیت تقریباً غیر ممکن است. در همین راستا و در اصل نود و چهارم قانون اساسی، قانون‌گذار اساسی از هر دو اصطلاح «انطباق» و «عدم مغایرت» در نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس شورای اسلامی استفاده نموده است و این شبهه به ذهن متبادر می‌گردد که قانون‌گذار با تساهل از این الفاظ استفاده نموده است و دقت کافی در تبیین درست از صلاحیت

شورای نگهبان در نظارت بر قوانین نداشته است.

لذا باید تصریح نماییم که مقصود مقنن در اصل ۹۴ همان صلاحیت تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی بوده است و استفاده از لفظ «انطباق» به دلایل سه‌گانه ذیل تقنن در عبارت بوده است و نه امر دیگری:

نخست آنکه باید به مفاد و جایگاه اصل نود و چهارم قانون اساسی نگاه عمیق‌تری داشته باشیم. اصل نود و چهارم در قسمتی از قانون اساسی جای دارد که آن اصول به تبیین صلاحیت تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی برای شورای نگهبان پرداخته است. اصل حاضر در انتهای فصل ششم قانون اساسی و در قسمت بیان صلاحیت‌ها و جایگاه شورای نگهبان (اصول ۹۱ تا ۹۹) آورده شده است و همگی اصول این قسمت مانند اصل نود و یکم و نود و ششم مؤید صلاحیت مزبور برای فقهای شورای نگهبان در نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی است. دلیل دوم ناظر بر متن پیش‌نویس اصل نود و چهارم می‌باشد<sup>(۱)</sup>. پیش‌نویس پیشنهادی دولت موقت در خصوص اصل نود و چهارم به صراحت مؤید عدم مغایرت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی است. هرچند که پیش‌نویس اصل حاضر مورد موافقت اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به عنوان متن اولیه قرار نگرفت و پیش‌نویس دیگری به عنوان پایه نخست بحث این اصل در دستورکار قرار گرفت (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۲: ص ۹۵۵)، لکن متن پیشنهادی دولت موقت در خصوص اصل نود و چهارم تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر نظرات و اندیشه نخست‌اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی داشت. توضیح بیشتر آنکه نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی با پذیرش صریح امر عدم مخالفت مصوبات مجلس با اصول مسلم شرعی که در مفاد پیش‌نویس این اصل بود، آن را بدون آنکه تغییری در این امر حادث گردد، به تصویب رساندند. دلیل سوم و پایانی، مذاکرات منعکس شده در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی است. نگاهی به مذاکرات

۱. پیش‌نویس اصل نود و چهارم مقرر می‌داشت: «در صورتی که شورا قانون عادی را به دلیل مخالفت صریح با اصول مسلم شرعی یا سایر اصول این قانون متعارض با قانون اساسی بداند، آن را برای تجدیدنظر با ذکر دلایل تعارض به مجلس بر می‌گرداند و مجلس با توجه به دلایل ذکر شده تجدیدنظر به عمل می‌آورد» (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۱۶۹)

اعضای این مجلس در خصوص اصل نود و چهارم مؤید آن است که تمامی نمایندگان این مجلس با پیش فرض لزوم عدم مغایرت قوانین با احکام اسلامی به ارائه نطق و سخنان خود پرداخته‌اند و صلاحیت تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی برای فقهای شورای نگهبان، در این زمینه نزد نمایندگان مجلس مزبور مفروض بوده است. به عنوان مثال می‌توان به سخنان شهید بهشتی (ره)<sup>(۱)</sup> و یا دکتر روحانی<sup>(۲)</sup> پیرامون اصل نود و چهارم اشاره داشت که نظارت شرعی بر قوانین از نظر عدم مغایرت با شرع را امری بدیهی و اثبات شده می‌دانستند.

با امعان نظر در مستندات ارائه شده و دلایل سه‌گانه فوق به این نکته دست خواهیم یافت که مفاد اصل نود و چهار صلاحیت فقهای شورای نگهبان را از حیث تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با شرع و قانون اساسی تبیین می‌نماید و این اصل همانند اصول هم‌جوار خود در قانون اساسی، در مقام بیان صلاحیت فقهای شورای نگهبان در تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با شریعت اسلام می‌باشد و استفاده از اصطلاح «انطباق» در این اصل به نوعی تفنن در عبارات بوده و قانونگذار اساسی مراد و مقصود خاصی چون صلاحیت مطابقت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی را در این اصل نداشته است. به عبارت دیگر استفاده از لفظ «انطباق» در اصل حاضر را به نوعی می‌توان از تساهل معدود قانون‌گذار اساسی در تبیین اصول قانون اساسی به شمار آورد و باید از برآیند مباحث ارائه شده در اصل نود و چهار تنها صلاحیت تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی را برای فقهای شورای نگهبان از این اصل برداشت نمود.

یکی از نکات قابل توجه در بررسی مصوبات مجلس آن است که بر اساس اصل

۱. شهید بهشتی (ره) می‌فرماید: «... اصل اولی در تصمیمات این است که تصمیم باید قابل اجرا باشد مگر مخالفت با اسلام ثابت شود. ... اگر یک چیزی را مجلس شورای ملی تصویب کرده ده روز فرصت قائلیم برای کنترل این‌که مخالف با اسلام و قانون اساسی نباشد و می‌گوییم بعد از این ده روز قابل اجرا است...» (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۹۵۷)

۲. دکتر محمود روحانی می‌فرماید: «اگر یک مصوبه مجلس را فرستادند شورای نگهبان و در ظرف ده روز رسیدگی کرد و پاسخ نداد [که] از این نظر که مغایرت دارد، این قابل اجراست. بنابراین فرستادن جواب، تلقی مثبت است بر قبول...» (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۹۶۰)

نود و چهارم قانون اساسی، شورای نگهبان هم برای نظارت شرعی و هم برای نظارت از حیث قانون اساسی ده روز مهلت دارد و قانون‌گذار اساسی بین این دو هنجار برتر از حیث مدت زمانی برای نظارت تفاوتی قائل نشده است و مهلت یکسانی برای آنها مقرر داشته است. (درویشوند و راجی، ۱۳۹۰: ۱۱۵)

بر اساس اصل مزبور بررسی و نظارت بر مصوبات مجلس از حیث عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی ظرف ده روز از جانب شورای نگهبان انجام می‌گردد و پس از ده روز شورای نگهبان نمی‌تواند نظر جدید و یا ایراد جدیدی را ابراز نماید. به عبارت دیگر، با تقریر عبارت: «در غیر این صورت مصوبه قابل اجراست» در ذیل اصل ۹۴ باید گفت که اگر شورای نگهبان بعد از گذشت ده روز از تاریخ وصول مصوبات مجلس اظهار نظری ننموده باشد، آن مصوبه قابل اجراست و حتی اگر بعد از گذشت ده روز مغایرت و مخالفت مصوبه با شرع یا قانون اساسی را تشخیص داده و اظهار نظر کرده باشد، این نظر شورای نگهبان مسموع نیست و آن مصوبه با وجود مغایرت، قابل اجراست. (یزدی، ۱۳۷۵: ۵۰۳) اما مستندات قانونی حاکم به نوعی با حکم مقرر در اصل نود و چهارم را هم‌خوانی و تطابق ندارد. توضیح بیشتر آنکه بر اساس تبصره ۲ ماده ۲۰۱ از آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی<sup>(۱)</sup> و همچنین ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان<sup>(۲)</sup> نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان بر مصوبات مجلس شورای اسلامی، تابع مهلت ده روز مقرر در اصول ۹۴ و ۹۵ نمی‌باشد و فقهای شورای نگهبان بر اساس اصل چهارم قانون اساسی هر زمانی که مغایرت مصوبه یا قانونی را تشخیص دهند، می‌توانند آن را ابطال نمایند و از حیث نظارت شرعی محدود به بازه‌ی زمانی مقرر در اصول مزبور نمی‌باشند.

به عقیده برخی از حقوق‌دانان نظارت شرعی شورای نگهبان بر مصوبات مجلس پس از بازه‌ی زمانی مقرر در اصل نود و چهارم، علاوه بر آنکه نقض آشکار ذیل اصل ۹۴ قانون

۱. تبصره ۲ ماده ۲۰۱ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: «شورای نگهبان نمی‌تواند پس از گذشت مهلت‌های مقرر و رفع ایراد در نوبت اول، مجدداً مغایرت موارد دیگری را که مربوط به اصلاحیه نمی‌باشد، بعد از گذشت مدت قانونی به مجلس اعلام نماید؛ مگر در رابطه با انطباق با موازین شرعی»

۲. ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان: «اعلام مغایرت قوانین و مقررات یا موادی از آنها با شرع با توجه به اصل چهارم قانون اساسی، در هر زمان که مقتضی باشد توسط اکثریت فقهای شورای نگهبان انجام می‌یابد و تابع مدت‌های مذکور در اصل نود و چهارم قانون اساسی نمی‌باشد.»

اساسی بوده و مخدوش کننده منطق حقوقی مورد نظر در اصل ۹۴ است، ثبات قوانین را از بین برده و موجب سلب اعتماد جامعه به قوانین می شود. (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

به نظر می رسد که نظر مذکور، واجد استدلالی کامل نمی باشد و قابل تأمل و نقد است. شاید در نگاه نخست، نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان بر قوانین خارج از مهلت ده روزه مقرر در اصل نود و چهارم به ظاهر موافق اصل ۹۴ نباشد، لکن با تتبع و تأمل در هدف قانون گذار اساسی، مفهوم سایر اصول مرتبط و روح قانون اساسی صلاحیت مزبور برای فقهای شورای نگهبان از قانون اساسی قابل استنباط می باشد. اساساً رسالت و هدف اصلی تشکیل شورای نگهبان حفاظت و پاسداری از عالی ترین هنجارهای نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی شرع و قانون اساسی می باشد. مبنای تشکیل شورای نگهبان از نگاه اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مشروعیت بخشی به قوانین مصوب مجلس از حیث مطابقت با شریعت اسلام می باشد. (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ۹۲) این نوع نگاه به قانونگذاری متأثر از نگاهی مکتبی و ایدئولوژیک به قانونگذاری است. وقتی مکتب اسلام به عنوان مبنا و اساس تشکیل حکومت پذیرفته شد، همواره باید قوانین و آنچه لزوم اجرا دارد، را هم سو و عدم مغایر با احکام آن تدوین نمود. در همین راستا در جلسه یازدهم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، شهید بهشتی (ره) در خصوص لزوم اسلامی بودن قوانین و مقررات می فرمایند «کلیه مسائل مربوط به قانون گذاری ها، تهیه و تصویب آیین نامه ها، در یک نظام ایدئولوژیک یعنی در یک نظام مکتبی، نمی تواند دور از نظر مکتب و جهت گیری از آن صورت بگیرد ... . در یک جامعه اسلامی کلیه قوانین و مقررات و تصویب نامه ها و آیین نامه ها باید ناظر داشته باشد و باید قوانین و مقررات را با مراجعه به منابع و مأخذ اسلامی مشخص کرد و بعد از نظر روش های قانون اساسی آن را دنبال کرد و تکمیل کرد.» (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۲۶۱)

لذا همان طور که از اندیشه و اهداف قانون گذار اساسی پیداست، علت اساسی و مبنای اصلی تأسیس شورای نگهبان پاسداری از شریعت اسلام و ایتنای همه قوانین و مقررات حاکم در جامعه اسلامی به احکام و موازین اسلامی بوده است.<sup>(۱)</sup>

همچنین این عقیده که برخی از نویسندگان آورده اند که تشخیص مغایرت شرعی



قوانین پس از ده روز و ابطال آن موجب تزلزل در قوانین و سلب اعتماد جامعه می‌شود نیز قابل رد و نقد است. اولاً در این موارد که قانونی از جانب فقهای شورای نگهبان ابطال می‌گردد، بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی<sup>(۱)</sup> می‌توان بیان نمود که دادگاه‌ها به عنوان اصلی‌ترین تمسک‌کنندگان به قانون صلاحیت دارند با توجه به منابع و فتاوی فقهای رأی دهند و لذا با استناد به منابع و فتاوی معتبر فقهی، این خلأ حاصل نمی‌شود. ثانیاً می‌توان گفت که همان اقدامی که در زمان عدم وجود قانون در خصوص یک موضوع انجام می‌گیرد، می‌تواند در زمانی که قانونی ابطال شود نیز انجام گیرد و می‌توان با قانونگذاری جدیدی که صورت می‌گیرد، خلأ احتمالی را پر کرد. ثالثاً، به اصول کلی حقوقی همچون اصل آزادی اراده، عدم صلاحیت و برائت نیز می‌توان به حل چالش احتمالی در فرض پذیرش، مبادرت ورزید. لذا شورای نگهبان به استناد اصل چهارم قانون اساسی نظارت بر عدم مغایرت مصوبات با موازین شرع را دارای مهلتی نمی‌داند.

توجه مجدد به این نکته نیز خالی از لطف نیست که ابطال قوانین موجود، امر غربیی در نظام‌های حقوقی نیست. همان‌طور که پیشتر اشاره نمودیم، در برخی از کشورها (همانند امریکا و فرانسه) نظارت پسینی بر قوانین مصوب وجود دارد و قوانین موجود توسط نهادهایی همچون دیوان عالی و شورای قانون اساسی ابطال می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران نیز ابطال مقررات دولتی توسط دیوان عدالت اداری انجام می‌گیرد و خلئی هم ایجاد نمی‌شود.

همچنین باید به این نکته توجه داشت که فقهای شورای نگهبان تاکنون هیچ‌یک از مصوبات مجلس که پیشتر تأیید کرده و تبدیل به قانون شده است، را مجدداً از جهت شرعی با ایراد مواجه نکرده‌اند. توضیح بیشتر آنکه، ایراداتی که تاکنون فقهای شورای نگهبان به استناد اصل چهارم قانون اساسی به قوانین لازم‌الاجرا وارد کرده و آنها را مغایر با موازین شرع تشخیص داده‌اند، تاریخ تصویب همگی آنها پیش از تشکیل شورای نگهبان بوده است و این قوانین توسط مجلس شورای ملی و یا شورای انقلاب به تصویب رسیده‌اند. البته باید به این نکته اذعان نمود که هر چند مصداقی در این خصوص وجود ندارد، لکن

۱. اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

بر اساس استدلال پیش گفته و مستندات مزبور، شورای نگهبان قائل به این صلاحیت برای خود می‌باشد و معتقد است که صلاحیت ابطال کلیه قوانین را ولو پس از تأیید خودش در هر لحظه که مغایرت آنها را تشخیص دهد، دارا می‌باشد.

نکته دیگر بحث حاضر این است که طبق اصول قانون اساسی، آنچه که در صلاحیت شورای نگهبان و فقهای این شورا مقرر شده است، صرفاً احراز مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی می‌باشد. توضیح بیشتر آنکه در اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصول ۷۲، ۹۱، ۹۴ و ۹۶ و همچنین مواد ۱۹۹ تا ۲۰۲ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی صرفاً صلاحیت تشخیص مغایرت مصوبات با شرع و قانون اساسی را برای فقهای شورای نگهبان و شورای نگهبان مقرر نموده است، لکن در رویه عملی شاهد آن هستیم که در موارد متعدد شورای نگهبان در اظهار نظر نسبت به مصوبات مجلس از وارد کردن ایراد «ابهام» استفاده نموده است و قانون‌گذار را مکلف نموده است که مراد خود را تصریح نموده و ابهام لفظ یا حکم مصوبه‌اش را برطرف نماید. شاید در نگاه نخست، این فرض مطرح گردد که این امر یک صلاحیت اضافی و خارج از قانون اساسی برای شورای نگهبان می‌باشد، لکن با تأمل بیشتری می‌توان فرض مزبور را رد کرد. شورای نگهبان برای اعمال صحیح صلاحیت خود، از این حق برخوردار است که مقصود اصلی قانون‌گذار را دانسته و فهم صحیحی از مصوبه داشته باشد تا بتواند در تشخیص مغایر بودن یا نبودن مصوبه مجلس با شرع و یا قانون اساسی تصمیم درست را اتخاذ نماید. اساساً تا قبل از کشف مراد قانون‌گذار تشخیص مغایرت سالبه به انتفاء موضوع است، چرا که شورا موضوع را فهم ننموده است، تا بتواند به صلاحیت خود در تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت عمل نماید. همچنین اگر ابهام ناظر به برداشت چندگانه از ماده‌ای شود و یک یا چند مورد از برداشت‌ها مغایر شرع و قانون اساسی باشد، این صلاحیت برای شورای نگهبان و فقهای آن وجود دارد که مقنن را مکلف به تصریح مراد خود نمایند، مگر آنکه هیچ یک از فروض و وجوه برداشت‌های مستنبط از ماده مبهم مغایر با شرع و قانون اساسی نباشد که به نظر می‌رسد، این امر مطابق اصل ۹۴ در صلاحیت شورای نگهبان نمی‌باشد.

یکی از نکات اساسی و قابل توجه در اصل نود و پنج قانون اساسی آن است که در ذیل این اصل موضوع استمهال شورای نگهبان جهت بررسی مصوبات مجلس از حیث

مغایر نبودن با شرع و قانون اساسی بیش از مهلت مقرر، مطرح می‌باشد. قانون‌گذار اساسی با در نظر داشتن این فرض که مهلت ده روزه مقرر در اصل نود و چهارم، ممکن است در مواردی کافی نباشد و شورای نگهبان نیازمند زمان بیشتری در بررسی مصوبات مجلس باشد و با در نظر داشتن عدم وقفه در امور تقنینی کشور، ده روز دیگر علاوه بر مهلت مقرر در اصل نود و چهارم به شورای نگهبان إعطاء نموده است، تا مصوبات مجلس را از حیث شرع و قانون اساسی مورد نظارت و بررسی قرار دهند.

همان‌طور که از منطوق این اصل مشخص می‌باشد، «شورای نگهبان» باید خواستار تمدید مهلت مذکور شود و به محض تقاضای تمدید مهلت، بدون نیاز به تأیید مجلس، ده روز دیگر اصل نود و پنجم به فرصت شورا افزوده می‌شود. (وکیل و عسکری، ۱۳۸۷: ۳۸۰) منطوق حقوقی اقتضاء می‌کند که مقام ناظر در بُعد نظارتی خود بر نهاد نظارت‌شونده از تفوق و برتری برخوردار باشد و در اعمال صلاحیت خود بدون هیچ پیش‌شرطی از جانب نظارت‌شونده، نظارت خود را بر آن اعمال نماید. اساساً تأیید و اجازه مقام منظور به مقام ناظر در نظارت با فلسفه این امر مغایرت دارد و خلاف منطوق نظارت است، لذا مجلس نیز نمی‌تواند در نظارت بر خود از آنچه که قانون اساسی برای آن لحاظ نموده است، صلاحیت اضافی دیگری اراده نماید و شورای نگهبان را مکلف به گرفتن تأیید از خود برای مهلت مقرر در اصل ۹۵ نماید.

رویه جاری شورای نگهبان نیز در این خصوص تاکنون بدین شکل بوده است که اگر این شورا به هر علتی از قبیل «زیاد بودن مواد مصوبه»، «اشتغال شورا به امر انتخابات» و یا «برخورد با تعطیلی و عدم تشکیل جلسه»، فرصت اعلام نظر در موعد مقرر ده روز را نداشته باشد، این امر را به مجلس اعلام می‌کند که به لحاظ نبودن فرصت، از مهلت اضافی ده روز مقرر در اصل نود و پنجم استفاده می‌نماید و البته مجلس هم هیچگاه در پی صحت و سقم درخواست و مستدل بودن یا نبودن استمهال شورای نگهبان برنیامده است. (مه‌رپور، ۱۳۸۷: ۵۸)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، قانون‌گذار اساسی برای تبیین حکم مزبور از الفاظ و عباراتی بهره برده است که نیازمند تأمل و تتبع بیشتری می‌باشد. قانون‌گذار اساسی در اصل نود و پنجم شورای نگهبان را مکلف نموده است تا برای تمدید وقت برای بررسی مصوبات مجلس، با ذکر دلیل «خواستار تمدید وقت» شود. عبارت اصل مزبور

نشان دهنده این امر است که شورا باید «دلیل» خود را مبنی بر درخواست وقت مقرر در اصل نود و پنجم ذکر نماید. همان‌طور که از اصل ۹۵ قانون اساسی هویداست، مجلس نمی‌تواند دلیل شورای نگهبان را رد نماید یا آن‌که دلیل شورا را نپذیرد، بلکه قانون اساسی فقط شورای نگهبان را صرفاً مکلف به ذکر دلیل نموده است.

در همین راستا، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا شورای نگهبان فقط برای ده روز می‌تواند، خواستار تمدید وقت شود، یا اینکه پس از گذشت ده روز اول، شورا می‌تواند مجدداً و چندباره مهلت را تمدید کند. در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که اولاً عبارت «حداکثر برای ده روز دیگر» ظاهر در بیان حداکثر مدت استمهال است که این مدت بیش از ده روز نمی‌شود. مثلاً شورای نگهبان نمی‌تواند مهلت پانزده روز یا بیست روز را درخواست نماید. (یزدی، ۱۳۷۵: ۵۰۴) ثانیاً با توجه به منطوق اصل ۹۵ و همچنین با توجه به عبارت «اظهار نظر نهایی» در این اصل و مقصود قانون‌گذار که عدم وقفه در امر قانون‌گذاری بوده است، به نظر می‌رسد که برداشت مزبور مقرون به صواب نبوده و این شورا می‌تواند فقط یک‌بار بر اساس اصل ۹۵ درخواست مهلت ده روزه برای بررسی مصوبات نماید.

لازم به ذکر است، این قاعده کلی که شورای نگهبان نسبت به تمام مصوبات از یک مهلت یکسان یعنی ده روز برخوردار می‌باشد، چالش‌ها و مشکلاتی را در عمل حادث می‌نماید. مجلس شورای اسلامی در موارد متعددی مصوباتی را داشته که به دارای مواد زیادی بوده و از حجم زیادی برخوردار می‌باشد و مهلت ده روزه یا بیست روزه منظور در اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی برای اظهار نظر و تشخیص مغایرت و یا عدم مغایرت مصوبه با شرع و قانون اساسی کافی به نظر نمی‌رسد، از همین رو این نقد به قانون اساسی وارد است که در مواردی که حجم مصوبه زیاد است، مهلت مقرر کافی به نظر نمی‌رسد و در این مورد باید قانون‌گذار اساسی بر حسب مورد مهلت زمان مناسبی را برای اظهار نظر شورای نگهبان مقرر نماید، تا این شورا در عمل و در تشخیص موارد مغایر با شرع و یا قانون اساسی زمان مناسب و کافی را برای اظهار نظر داشته باشد.

از جمله سؤالاتی که باید در مبحث حاضر یعنی «بررسی مصوبات مجلس در شورای نگهبان» بدان پاسخ شود، آن است که آیا شورای نگهبان موظف است که مشخص نماید، مصوبه مجلس با کدام اصل یا اصول قانون اساسی مغایرت دارد یا فقهای شورای نگهبان اعلام نمایند که مصوبه مجلس با کدام قاعده و حکم فقهی مغایر است. رویه شورای نگهبان مؤید آن است که این شورا لزومی نمی‌بیند که دلایل نظر خود مبنی بر خلاف شرع

بودن یا خلاف قانون اساسی بودن مصوبه، را به مجلس اعلام نماید و لذا معمولاً در اعلام نظرهای خود مخصوصاً در موارد شرعی به این نوع اظهار نظر اکتفا می‌نماید که فلان مصوبه یا فلان ماده آن مغایر موازین شرع شناخته شد و یا از لحاظ شرعی به تأیید اکثریت فقها نرسید. (مهرپور، ۱۳۷۲: ۶۱) با نگاهی به سوابق موجود در می‌یابیم که نمایندگان مجلس با این روش مخالف بودند و معتقد بودند شورای نگهبان باید دلایل نظر خود مبنی بر مغایرت مصوبه را اعلام نماید و لذا در ماده ۱۴۲<sup>(۱)</sup> آیین‌نامه داخلی مجلس مصوب سال ۱۳۶۲ مقرر داشته‌اند که «...شورای نگهبان در صورت رد مصوبات مجلس، موظف است دلایل رد را صریحاً به مجلس گزارش نماید». <sup>(۲)</sup> در سوابق اظهار نظرهای شورای نگهبان در ارتباط با این ماده، آمده است که «اگر مراد از "ذکر دلیل رد" این باشد که شورای نگهبان در نامه خود "جهت رد" را ذکر نماید، مغایر قانون اساسی نمی‌باشد». (مجموعه نظرات شورای نگهبان - دور اول مجلس، ۱۳۹۰: ۵۴۹)، (مهرپور، ۱۳۸۷: ۱۶۹) نظر شورا این بود که اگر منظور نمایندگان مجلس الزام نمودن شورای نگهبان به ذکر دلیل و استدلال نمودن بر نظر خویش است، این امر مغایر قانون اساسی است، ولی اگر جهت مغایر دانستن مصوبه مجلس را باید بیان نماید، تا مجلس در مقام تجدیدنظر از جهت نظر شورا مطلع باشد و در آن راستا بتواند مصوبه خود را اصلاح کند، این الزام ایرادی ندارد و شورای نگهبان آن را می‌پذیرد. (مهرپور، ۱۳۷۲: ۶۲)

به نظر می‌رسد که رویه مزبور شورای نگهبان در عدم بیان نمودن نظرات خود به شیوه مستدل محل نقد و قابل ایراد است. شورای نگهبان باید با استدلالی مطلوب و مفید مواردی

۱. با مراجعه به مستندات و سوابق تاریخی در خصوص این ماده از آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در می‌یابیم که ماده مزبور ابتدا در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۱۷ با شماره ماده ۱۴۶ در مجلس شورای اسلامی مطرح گردید و به تصویب رسید.

([http://ical.ir/index.php?option=com\\_mashrooh&view=session&id=293&Itemid=38](http://ical.ir/index.php?option=com_mashrooh&view=session&id=293&Itemid=38)) نظر شورای نگهبان نیز در خصوص این ماده، صرفاً یک تبیین قصد بوده و تحت عنوان ایراد مطرح نگردید. لذا مجلس شورای اسلامی نیز اصلاحی در این ماده انجام نداده و با حذف برخی از مواد دیگر این قانون، این ماده قانونی در نهایت با شماره ۱۴۲ به تصویب رسید.

۲. حکم موجود در ماده ۱۴۰ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲، در حال حاضر در ماده ۲۰۰ این قانون تقریر شده است. به موجب ماده ۲۰۰ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: «مصوبات مجلس تا زمان اعلام نظر نهائی شورای نگهبان از دستور خارج نمی‌شود. شورای نگهبان، در صورت رد مصوبات مجلس، موظف است علت رد را صریحاً به مجلس گزارش نماید تا بلافاصله تکثیر و توزیع شود.»

از مصوبه مجلس را که مغایر با شرع و یا قانون اساسی دانسته به مجلس اعلام نماید، تا این نهاد به درستی و به دور از ابهام به انجام اصلاحات لازم مبادرت ورزد. این امر علاوه بر آنکه سبب می‌گردد، اطاله در امر قانونگذاری حادث نشود و مجلس به صورت واضح و دقیق متوجه ایراد شورای نگهبان شود و در صدد اصلاح آن برآید، نشانه استحکام و اعتبار نظر شورا بوده و می‌تواند وسیله استفاده محققان و پژوهشگران نیز قرار گیرد.

نکته پایانی این مبحث نیز موضوع «تجدیدنظر» مجلس در مصوبه خود بر اساس اصل ۹۴ قانون اساسی می‌باشد. به موجب اصل مزبور، اگر شورای نگهبان مصوبه مجلس را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص داد، جهت «تجدیدنظر» به مجلس شورای اسلامی آن مصوبه را اعاده می‌نماید. حقوق‌دانان تعریف خاصی از واژه تجدیدنظر ارائه نداده‌اند، لکن لغت شناسان «تجدیدنظر» را به معنای دوباره نظر دادن در مورد نوشته یا امری معنا نموده‌اند. (انوری، ۱۳۸۶: ۱۶۲۰) یا آنکه بیان داشته‌اند «تجدیدنظر» یعنی مورد بررسی مجدد قرار دادن یک موضوع. (معین، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۰۲۹) اما مفهوم واژه «تجدیدنظر» در اصل ۹۴ قدری متفاوت از معنای مزبور است. هنگامی که شورای نگهبان مصوبه مجلس شورای اسلامی را مغایر با شرع و یا قانون اساسی تشخیص داد، با توجه به اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصول ۴، ۷۲، ۹۴ و ۹۶، مجلس مکلف است که آن را اصلاح کرده و مغایرت مصوبه خود را با شرع و یا قانون اساسی به وسیله تجدیدنظر برطرف نماید و یا کلاً از تصویب چنین قانونی صرف نظر کند.

یکی از نکات مهم در خصوص بحث مزبور، اصل ۱۱۲<sup>(۱)</sup> قانون اساسی می‌باشد. به موجب اصل ۱۱۲ اگر شورای نگهبان مصوبه مجلس شورای اسلامی را مغایر با شرع و قانون اساسی تشخیص دهد و مجلس نیز بنا به مصالح کشور بر نظر خود اصرار نماید، مجمع تشخیص مصلحت نظام نهاد صالح در خصوص تصمیم‌گیری در این خصوص است. قبل از اینکه تفصیل بیشتری از حل اختلاف مجمع تشخیص

۱. اصل ۱۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.»

مصلحت نظام در این خصوص ارائه نماییم، توضیح این نکته ضروری است که اصل ۱۱۲ در سال ۱۳۶۸ و در جریان بازنگری در قانون اساسی به این مجموعه اضافه شد که یک راه حل استثنائی و خارج از فرآیند و روال عادی قانون‌گذاری است و استثنای اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی قلمداد نمی‌شود.

با نگاهی به مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص موارد موضوع اصل ۱۱۲ از سال ۱۳۶۷ تا کنون مشاهده می‌کنیم که مجمع تشخیص به بیش از یکصد و پنجاه مورد از مصوبات رسیدگی نموده و تصمیم مقتضی را در خصوص قانونیت یافتن یا رد مصوبات مزبور اتخاذ نموده است. نکته قابل توجه در خصوص موارد اختلافی آن است که تقریباً یک سوم مصوبات مورد اختلاف را موافقت‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی را تشکیل می‌دهد.<sup>(۱)</sup>

همان‌طور که پیشتر اشاره نمودیم، سازوکار مزبور و ورود مجمع تشخیص مصلحت نظام به موارد و مصوبات اختلافی بین مجلس و شورای نگهبان یک روش استثنائی و خارج از روال عادی در فرآیند قانون‌گذاری است و اصل بر آن است که مجلس شورای اسلامی بر اساس ذیل اصل ۹۴ هنگامی که شورای نگهبان مصوبات مجلس را خلاف شرع و یا قانون اساسی تشخیص داد، در مصوبه خود تجدید نظر و اصلاح اِعمال نماید.

### ثمره‌ی بحث

بر اساس آنچه‌که در این پژوهش به آن دست یافتیم، باید بین دو فعل قانون‌گذار یعنی «مصوبه» و «تصمیم» فرق گذارد. اصل ۹۴ قانون اساسی تصریح می‌نماید که کلیه مصوبات و امور تقنینی مجلس شورای اسلامی باید به تأیید شورای نگهبان رسد، تا مصوبه مزبور جامه قانون به تن نماید. نظارتی که در غالب نظام‌های حقوقی بر مصوبات مجلس از حیث انطباق با هنجارهای برتر آن جامعه صورت می‌گیرد، یک نظارت پسینی می‌باشد، لکن در جمهوری اسلامی ایران به دلیل ویژگی‌های خاص این نظام نظیر مکتبی بودن، اقتضاء یک نظارت پیشینی را بر قوانین داراست. اصل ۹۴ قانون اساسی به همراه سایر اصول مرتبط این نوع نظارت را در نظام ما تبیین می‌نماید. به موجب این اصل،

شورای نگهبان موظف است که در ظرف ده روز نسبت به مغایر نبودن مصوبه مجلس با هنجارهای برتر شرع و قانون اساسی یک نظارت پیشینی به عمل آورد. یکی دیگر از نکات اساسی که در این پژوهش به آن دست یافتیم، آن بود که قانون‌گذار اساسی به دلیل جلوگیری از وقفه در امر قانون‌گذاری و عدم اخلال در امور جاری کشور، بازه‌ی زمانی ده روزه‌ای را برای نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس مقرر داشته است. احتساب این ده روز بدون در نظر گرفتن روز وصول مصوبه و اعلام نظر شورا می‌باشد. همچنین دریافتیم که آیین‌نامه داخلی مجلس و آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان مهلت مزبور را برای نظارت شرعی نپذیرفته است و مقرر داشته که فقهای شورای نگهبان هرگاه که مغایرت قانون با شرع را تشخیص دهند، می‌توانند خارج از مهلت مقرر در اصول ۹۴ و ۹۵ باطل بودن آن قانون را اعلام نمایند. قابل اجرا بودن مصوبه نیز در صورت عدم اظهار نظر شورای نگهبان در مهلت ده روزه از جمله مسائلی بود که بدان پرداخته شد و نتیجه گرفتیم که شورای نگهبان در مهلت مقرر مکلف به ابراز عقیده و اظهار نظر می‌باشد و آنچه که در این اصل برای قابل اجرا بودن مصوبه پیش‌بینی شده است، ضمانت اجرائی برای عدم اظهار نظر شورای نگهبان در مهلت مقرر می‌باشد. همچنین حکم موجود در اصل ۹۵ قانون اساسی یعنی تمدید وقت با ذکر دلیل از جانب شورای نگهبان را بررسی و تحلیل نمودیم. این شورا می‌تواند برای یک بار تقاضای وقت مجدد ده روز را برای رسیدگی خود از مجلس نماید. بر اساس مفاد اصل ۹۵، این درخواست نیازمند تأیید و تصویب مجلس نمی‌باشد و به صرف اعلام شورای نگهبان اجرایی می‌گردد. در نهایت امر و در خصوص اعاده مصوبه مورد ایراد شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی نیز که در ذیل اصل ۹۴ مقرر شده است، به این نکته دست یافتیم که مجلس ملزم به تغییر و اصلاح در مصوبه خود می‌باشد و تمسک به اصل ۱۱۲ و مجمع تشخیص مصلحت نظام یک راه حل استثنائی و خارج از فرآیند عادی قانون‌گذاری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است.



## منابع

## کتب

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، (۱۳۶۴)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، انتشارات اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، چهار جلد
۲. اداره چاپ و انتشار معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری (تدوین کننده)، (۱۳۹۱)، مجموعه اساسی، تهیه و تنظیم: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، چاپ دوم
۳. اداره چاپ و انتشار معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری (تدوین کننده)، (۱۳۹۰)، مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره اول) خرداد۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۳، تهیه و تنظیم: مرکز تحقیقات شورای نگهبان، چاپ اول
۴. اداره چاپ و انتشار معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری (تدوین کننده)، (۱۳۹۱)، مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی (دوره ششم) خرداد۱۳۷۹ تا خرداد ۱۳۸۳، تهیه و تنظیم: مرکز تحقیقات شورای نگهبان، چاپ اول
۵. انوری، حسن، (۱۳۸۶)، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، جلد سوم، چاپ چهارم
۶. جعفری لنگرودی محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، (۱۳۸۷)، انتشارات گنج و دانش، چاپ نوزدهم
۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، (۱۳۸۸)، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و پنجم، جلد دوم
۸. هدایت نیا گنجی، فرج الله و کاویانی، محمد هادی، (۱۳۸۰)، بررسی فقهی-حقوقی شورای نگهبان، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول
۹. جعفری ندوشن، علی اکبر، (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی کارویژه‌های شورای نگهبان در ایران-فرانسه و آمریکا، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول
۱۰. مهرپور، حسین، (۱۳۸۷)، مجموعه نظرات شورای نگهبان، جلد دوم، نشر دادگستر، چاپ اول
۱۱. وکیل، امیرساعد و عسکری، پوریا، (۱۳۸۷)، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات مجد، چاپ دوم
۱۲. هدایت نیا، فرج الله، (۱۳۸۷)، شورای نگهبان: پرسش‌ها و پاسخ‌ها، کانون اندیشه جوان

۱۳. هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات میزان، جلد دوم، چاپ چهاردهم

۱۴. یزدی، محمد، (۱۳۷۵)، قانون اساسی برای همه، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول

### مقالات، گزارشات پژوهشی و پایگاه اینترنتی

۱۵. درویش‌متولی، میثم، (۱۳۹۲ «الف»)، ۱. صلاحیت‌ها و جایگاه شورای نگهبان در پرتو مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، گزارش پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۲۰۰۱۱

۱۶. درویش‌متولی، میثم، (۱۳۹۲ «ب»)، ۳. نظارت شورای نگهبان بر قوانین مصوب پیش از انقلاب و شورای انقلاب، گزارش پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۲۰۰۹۰

۱۷. درویش‌متولی، میثم، (۱۳۹۳ «الف»)، ۵. قلمرو نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس شورای اسلامی، گزارش پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۳۰۰۱۱

۱۸. درویش‌متولی، میثم، (۱۳۹۳ «ب»)، قلمرو نظارت متمرکز و غیر متمرکز بر قوانین با نگاه موردی به نظارت متمرکز شورای نگهبان در تطبیق قوانین، گزارش پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان، این گزارش در دست انتشار می‌باشد

۱۹. درویش‌وند، ابوالفضل و سیدمحمد هادی راجی، (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر نظارت بر قوانین و مقررات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، مجله حکومت اسلامی، سال شانزدهم، شماره سوم

۲۰. مهرپور، حسین، (۱۳۷۲)، «شورای نگهبان و بررسی قوانین»، مجله حقوقی دادگستری، شماره نهم

21. <http://maslahat.ir>

22. <http://ical.ir>

23. <http://law.dotic.ir>

### قوانین اساسی کشورها و مستندات قانونی

۲۴. آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹ با اصلاحات بعدی

۲۵. آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان مصوب ۱۳۷۹/۴/۲۲

۲۶. قانون اساسی کشور آلمان، انتشارات نگاه بینه، ۱۳۸۹

۲۷. قانون اساسی کشور الجزایر، انتشارات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۷۹

۲۸. قانون اساسی کشور فرانسه، انتشارات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰

۲۹. قانون اساسی کشور گینه، انتشارات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰

۳۰. قانون اساسی کشور مراکش، انتشارات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۸

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد  
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲  
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵  
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵  
info@shora-rc.ir  
www.shora-rc.ir